



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## ارزیابی توانایی تفکر کلامی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در راستای برنامه ملی شهاب

نادیا عمویور

آموزگار پایه ی چهارم مدرسه سما واحد بندرانزلی

دانشجوی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی دانشگاه آزاد

nadiya.roja27@gmail.com

### چکیده:

برای شروع شکوفایی استعداد دانش آموزانمان باید به آنها کمک کنیم تا پیشرفت آنها توأم با احساس خوشحالی باشد. دانش آموزان با نشاط و سرزنده راحت تر و راغب تر یاد می گیرند و این باعث می شود که به اصل اساسی آموزش دست یابیم. وجود معلمی آگاه به علم روانشناسی و اصول و سیاست های آموزش و پرورش در راستای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر، (برنامه ملی شهاب)، برای رشد دانش آموزان بسیار حائز اهمیت می باشد. رشد تک بعدی دانش آموزان و توجه به یک ساختار ذهنی نمی توان گفت بی تاثیر یا بی فایده است بلکه بررسی و مطالعه موردی هشت ساختار ذهنی دانش آموزان در کلاس های درسمان می تواند باعث تأثیر تشبیت مطالب یادگیری و اثر گذاری دقیق آن بر دانش آموزان شود. حفظ تعادل لازم برای توسعه و پیشبرد استعداد دانش آموزان، کمک به شناخت و توانایی های لازم و درک درست از مهارت های آنها ایجاد می کند. بنابراین یکی از هشت ساختار ذهنی یا انواع هوش، هوش زبانی یا کلامی می باشد که آن را دقیق تر بررسی می کنیم. در یک تعریف جامع می توان اینگونه عنوان نمود که استعداد کلامی عبارتست از توانایی کاربرد موثر زبان مادری و احتمالاً سایر زبان ها، به صورت شفاهی یا نوشتاری. افراد باهوش زبانی تمایل دارند به وسیله ی کلمات تفکر کنند. هوش کلامی، توانایی به کارگیری ماهرانه ساختار زبان و صدای های زبان و ... را برای بیان افکار و فهمیدن انسان های دیگر را شامل می شود. بنابراین دانش آموزان در فرایند یادگیری و پردازش اطلاعات با توجه به توانایی های خود از استعداد کلامی استفاده می کنند.

واژگان کلیدی: استعداد کلامی، دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی، ساختار ذهنی



## مقدمه:

### طبیعت آوایی گفتار:

زبان ابزاری طبیعی برای بیان مفاهیم و ارتباط بین انسانها است. همه جوامع بشری به طور طبیعی و عادی از یک زبان خاص برای ارتباط با یکدیگر استفاده می کنند. به سادگی می توان دریافت که زبانهای جوامع بشری اغلب کم و بیش با یکدیگر متفاوتند، به طوری که بدون آموزش و یا یادگیری عمدی، مردم هر جامعه از درک زبان جامعه دیگر عاجزند. در آموزش اصولی که توسط معلم صورت می گیرد توسعه و پیشرفت دانش آموزان امری بسیار مهم می باشد. با این حال بررسی و مطالعه توانایی تفکر کلامی نشان می دهد که وجوه مشترک عمده و متعددی را در آنها می توان مشاهده کرد. یکی از ویژگی های همگانی زبانها صورت گفتاری آنهاست. یعنی همه ی گروه های انسانی که تا کنون مشاهده شده اند از راه تولید گفتار با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. که در برنامه ملی شهاب در استعداد کلامی برقراری ارتباط از طریق گفتار که به صورت سلیس و روان می باشد مورد توجه و اهمیت قرار گرفته است. همه ی ما به خوبی می دانیم که، فهم مهم است و بایستی در صحبت کردن و نوشتن از واژگان مناسبی استفاده کنیم تا بتوانیم درست تر با همکلاسی های خود، با جامعه خود و با خانواده خود ارتباط برقرار کنیم. بنابراین به هنگام سخن گفتن از اشاره با برخی اندام ها از جمله دستها، سر و چهره نیز استفاده می شود. ولی با این حال عامل اصلی ارتباط میان افراد همه جوامع انسانی گفتار است. صورتهای گفتاری زبان به عنوان نشانه هایی برای بیان معانی به کار می رود. در واقع زبان نظامی است که به نحو بسیار پیچیده ای میان شبکه بسیار گسترده معانی و شبکه صداها نوعی پیوند برقرار می کند(مشکوئه الدینی، ۱۳۷۴).

می توان اینگونه ادعا داشت که بیان مفاهیم از راه صورتهای گفتاری به دانش آموزان تواناییهای متعددی می دهد یعنی علاوه بر ارتباط زبانی، تفکر، استدلال، تجزیه و تحلیل پدیده ها و اندوختن دانش را نیز برای او ممکن می سازد. در نتیجه دانش آموزانی که دارای استعداد کلامی می باشند نسبت به سن خود خوب می نویسند و کلمات را به درستی ادا می کند و خزانه لغاتشان نسبت به همسالان خود غنی تر است. چنین دانش آموزانی مطالب درسی را بهتر درک کرده و با جزئیات دقیق تری توضیح می دهند. با توجه به هوش کلامی معلم باید این را به خاطر داشته باشد، آموختن برای زیستن است. در نتیجه آموزش به صورت گروهی، باعث می شود دانش آموزان درگیر یادگیری شوند و برای بیان آنچه که آموخته اند تلاش کنند. معلمان هر سال با گروه تازه ای از دانش آموزان آشنا می شوند. بنابراین هر قدر اطلاعات درباره نحوه رشد، تواناییها و علایق آنان زیادتر باشد یا برشناسایی و توانایی های دانش آموزانمان دقیق تر شویم، بهتر می توانیم درباره سطح و میزان یاددهی آنها تصمیم بگیریم. بایستی دوران پراهمیت کودکی هر دانش آموز را مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم تا بتوانیم هشت ساختار ذهنی یا هشت استعداد با توجه به آنچه در برنامه ملی شهاب مطرح شده است را مناسب تر بشناسیم.

### فرایندهای رشد نظریه ژان پیاژه:

الگوی رشد دانش آموزان به علت تأثیر پذیری از فرایندهای گوناگون زیستی - شناختی و اجتماعی - عاطفی پیچیده است. منظور از فرایندهای زیستی، بروز تغییرات جسمی در کودک است و منظور از فرایندهای اجتماعی و عاطفی شامل بروز تغییراتی در روابط کودک با سایرین، تغییرات عواطف و شخصیت می شوند. حال در این میان، فرایندهای شناختی، شامل تغییراتی هستند که در طرز تفکر کودک، هوش و زبان پدید می آیند. این گونه فرایندها سبب می شوند که کودک در حال رشد بتواند شعری را حفظ کند، راه حل یک مسئله ریاضی را به ذهن بیاورد، رویکردی ابتکاری از خود نشان دهد و با جمله های وابسته به هم هوشمندانه صحبت کند. هر سه فرایند رشد هم قابل ارزیابی می باشد. ولی از همه مهمتر فرایندهای شناختی از دوره پیش از زایمان تا نوزادی یعنی از تولد تا ۲۴ ماهگی می باشد. طبق نظریه ژان پیاژه، شناخت به معنی دانستن، یادگرفتن، به یاد آوردن، فهمیدن و اندیشیدن است. رشد شناختی هم به تغییرات منظمی گفته می شود که در طول زمان در این فرایند ها رخ می دهد. پیاژه رشد شناختی را در چهار مرحله توضیح می دهد. مرحله حسی - حرکتی (از تولد تا ۲ سالگی)، مرحله پیش عملیاتی (۲ تا ۷ سالگی)، مرحله عملیاتی عینی یا محسوس (از ۷ تا ۱۱ سالگی)، مرحله عملیات صوری یا انتزاعی (از ۱۱ تا ۱۵ سالگی)(سانتراک، ۱۳۸۷).



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



نظریه پیازه هم کاربردهای زیادی در آموزش داشته و هم بسیاری از جهت گیرهای آموزشی را تحت تأثیر قرار داده است. (مجدفر و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین در تدریس، تربیت دانش آموزان، شناسایی بهتر مهارت ها در امر یاددهی - یادگیری بهتر است از هوش های چندگانه گاردنر استفاده کنیم، که خود معتقد بود دانش آموزان دارای هوش های چندگانه می باشند. که می توان آنها را پرورش و تقویت نمود. که یکی از این هشت ساختار ذهنی استعداد کلامی می باشد. دانش آموزی که بتواند با کلمات دل ها را به لرزه در آورد، حتماً دارای استعداد ویژه ای برای به کار گرفتن کلمات و استفاده از زبان است. زبان مانند موسیقی تأثیر گذار است، که در دنیای رسانه های چند وجهی هم از ارزش زبان کاسته نمی شود. بنابراین بهتر است مهارت های گفتاری را برای دانش آموزان تقویت کنیم که در شرایط امروز بیش از هر زمان دیگر اهمیت دارد (گرافت، ۱۳۸۹). معلم قبل از ورود به کلاس درس فعالیت‌هایی را انجام می دهد که به عنوان فعالیت های آموزشی قبل از تدریس معروف شده اند در این فعالیت ها معلم با رعایت اصول و شرایطی که معین شده اند نسبت به تجزیه و تحلیل محتوای درسی می پردازد در اینجا است که باید اهداف درسی خود را در راستای هوش های چند گانه گاردنر تهیه کند و به دنبال مناسب ترین روش تدریس و رسانه های مورد نیاز در هر مرحله از درس را با توجه به استعدادها (استعداد کلامی) پیش بینی و تهیه می کند تا در کلاس درس به رشد و پرورش تفکر کلامی پردازد (نوروزی، ۱۳۸۱).

### بیان مساله:

هوارد گاردنر نظریات بسیار جامعی در چارچوب ذهن و نظریه هوش های چندگانه بیان داشته است. در حوزه روانشناسی و علوم رفتاری هوش موجودیتی منفرد است که به ارث می رسد و انسانها مانند لوح سفیدی هستند که هر چیزی را می توان به آنها آموزش داد و اگر به شیوه مناسب ارائه شود به صورت هوش های چند گانه شناخته می شوند که به تأیید همگان خواهد رسید. زمانی که بتوان مفاهیم درسی را با جزئیات دقیق توضیح داد به دنبال تعمیق مطالب و فهمیدن استعدادهای می باشیم. به بیان دیگر ما به عنوان یک معلم می توانیم هشت حوزه استعدادی که شامل ( استعداد کلامی، استعداد ریاضی، استعداد هنری، استعداد فضایی، استعداد حرکتی، استعداد ورزشی، استعداد اجتماعی، استعداد فرهنگی دینی، استعداد علوم تجربی). مورد بررسی قرار دهیم، که استعداد کلامی یکی از این استعدادهایست که در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد. می توانیم باعث پرورش و تقویت استعداد کلامی شویم توانایی تفکر کلامی را به دانش آموزان آموزش دهیم و از طرفی می توانیم کاملاً آن را نادیده بگیریم تا ضعیف شود! براساس هوش های چندگانه گاردنر، با این تأکید که برای اندازه گیری هر یک از این استعداد ها می توان به مشاهده رفتار آزمودنی پرداخت تا از آن طریق میزان سطح توانایی ذهنی دانش آموزان را مورد سنجش قرار داد (مجدفر، ۱۳۹۴). بهتر است تعریفی از هوش زبانی و پیشرفت تحصیلی برای درک بهتر مطلب داشته باشیم.

### تعریف هوش زبانی:

هوش زبانی به معنای توانایی به کارگیری درست لغات، به صورت شفاهی یا نوشتاری است. این هوش، توانایی به کارگیری ماهرانه ساختار زبان، صدای زبان، معنا شناختی و جنبه های علمی زبان را برای بیان افکار و فهمیدن دیگر انسان ها شامل می شود. سنجش هوش زبانی برای دانش آموزان اینگونه می تواند باشد که، نسبت به سن خود خوب می نویسد، می تواند داستان های بلندی را بگوید و یا لطفه های زیادی تعریف کند، توانایی به خاطر سپردن اسامی، مکان ها، تاریخ و جزئیات را دارد، از بازی با کلمات و خواندن کتاب لذت می برد، کلمات را به درستی ادا می کند و دایره لغاتش خوب است، گفت و گوی شفاهی را دوست دارد و با دیگران به این روش ارتباط برقرار می کند (مجدفر، ۱۳۹۴). وایگوتسکی عقیده داشت که کودکان زبان را نه فقط برای ارتباطات اجتماعی، بلکه برای طراحی، راهنمایی و کنترل رفتار خود به روشی خود تنظیم نیز به کار می برند، کاربرد زبان برای کنترل خود، صحبت خصوصی نام دارد. برای پیازه صحبت با خود به معنای خود محوری و عدم بلوغ است، در حالی که وایگوتسکی آن را ابزاری مهم برای تفکر کردن در مراحل اولیه زندگی می داند. وایگوتسکی عقیده داشت که زبان و تفکر در اصل جدا از هم رشد می کنند، اما بعدها به هم می پیوندند. همه کنش های ذهنی دارای ریشه های بیرونی و اجتماعی اند. کودکان باید ابتدا برای برقراری ارتباط با دیگران از زبان استفاده کنند پس از آن، روی افکار خود متمرکز شوند. همچنین، کودکان باید مدت های دراز با دیگران صحبت کنند تا بعدها بتوانند به درون خود متوجه شوند. کودکانی که زیاد با خود حرف می زنند، از لحاظ اجتماعی، موفق تر از بقیه اند و این کار سبب می شود که زودتر اجتماعی شوند و از زبان برای کنترل رفتار و هدایت خود استفاده می کنند (سانتراک، ۱۳۸۷).



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



پایه و اساس یادگیری خوب و صحیح، میل و علاقه و یا انگیزه یادگیری است. اکثر کودکان باهوش انگیزه ای برای یادگیری بیشتر ندارند. بنابراین وقتی نه در خانه و نه در مدرسه الگویی برای کسب موفقیت های بیشتر ندارند، طبیعتاً خود را بالا نمی کشند. اینجاست که والدین و معلمان باید با دانش آموزان همکاری کنند و در این راه به آنان کمک کنند (فریمن، ۱۳۸۲).

### نگاه اجمالی بر مفهوم پیشرفت تحصیلی:

آنتول فرانس شاعر و نویسنده فرانسوی قرن بیستم معتقد است که هنر آموزش، هنر برانگیختن کنجکاوای در مغزهای جوان است. برای درک بهتر پیشرفت تحصیلی بایستی بر روی مفهوم انگیزه متمرکز شویم. انگیزه یکی از اجزای اصلی یادگیری است که در عین حال، اندازه گیری آن هم بسیار دشوار است. واژه انگیزه به خودی خود، معنای عملی چندانی ندارد. و سوال این است که انگیزه برای انجام چه کاری؟ همه دانش آموزان به هر حال، انگیزه هایی دارند. روانشناسان، انگیزه را فرایندهای درونی می دانند که رفتار را در طول زمان فعال و هدایت می کند و آن را باقی نگه می دارد. به عبارت ساده تر، انگیزه، چیزی است که دانش آموز را به تحرک در می آورد و مسیری را که باید طی کند، معین می سازد. در واقع انگیزه تأثیر نیازها و خواسته ها بر شدت و جهت رفتار می باشد. انگیزه است که باعث می شود دانش آموزی یاد بگیرد تا به پیشرفت دست یابد. زمانی که رویکردهای ویژه را آموزش بدهیم و دانش آموزان را در تعیین هدف راهنمایی کنیم تا بیاموزند چگونه باید بعد از تعیین هدفهای دراز مدت، هدف های کوتاه مدتی را هم برای خود در نظر بگیرند، تا بتوانند روی مطالب و موضوعات تسلط پیدا کنند و در نهایت به پیشرفت تحصیلی دست یابند. البته بایستی مراقب باشیم که دانش آموزان بیش از حد برانگیخته و نگران نباشند. وقتی دانش آموزان زیاده از حد در فکر پیشرفت و نمره باشند، از کارایی آنان کاسته می شود (سانتراک، ۱۳۸۷). دانش آموزان زیادی هستند، با اینکه هم به درس علاقه دارند و هم استعداد این کار را دارند، اما در زندگی تحصیلی خود موفق نیستند. بعضی از آنها با اینکه وقت زیادی هم برای درس و مدرسه می گذارند، به نتیجه دلخواه نمی رسند. بارها و بارها کتابها را می خوانند اما قسمتهای زیادی از آن را یاد نمی گیرند (روزبهای، ۱۳۸۸). برنامه آموزشی مدرسه باید ارزش یادگیری داشته باشد و نباید پایین ترین مخرج مشترکی که دانش آموزان یاد می گیرند باشد. باید به عنوان یک معلم تلاش کنیم تا دانش آموزانمان را با توجه به هشت حوزه استعدادی بسنجیم و مورد ارزیابی قرار دهیم در واقع همین کار در برنامه ملی شهاب که همان شناسایی و هدایت استعدادها برتر می باشد را با دیدی وسیع تر در برنامه درسی خویش یا حتی در طرح درسهای خود بگنجانیم. نتایج برنامه آموزشی باید ایده های بزرگ در هر درس را بیان کند و ساختار درس را منعکس نماید (دنیلسون، ۱۳۸۹).

بنابراین مهارت خواندن و نوشتن لزوماً با هم رشد نمی کنند، چون این دو مهارت مراحل روانی مختلفی را به کار می گیرند. توانایی خواندن یعنی شناسایی حروف و معانی آنها و به خاطر سپردن لغات، در حالی که توانایی نوشتن یعنی کنترل صحیح انگشت ها و حرکات دست و مهارت رونویسی حروف (فریمن، ۱۳۸۲). واقعاً غیر ممکن است که درباره ی ارزیابی دانش آموز بدون ارتباط با برنامه درسی و هشت ساختار ذهنی فکر کنیم. ارزیابی از توانایی های دانش آموزان در راستای اهداف درسی خویش باعث می گردد که دانش آموزان را بهتر شناسایی و هدایت کنیم، از طرفی خود دانش آموز به خویشتن خویش پی می برد و این امر باعث ایجاد اعتماد به نفس و اتکاء به خویشتن می شود (دنیلسون، ۱۳۸۹). روشهای زیادی برای خواندن وجود دارد که درک مطلب را بالا می برد و دانش آموز منظور نویسنده را درست و در کوتاه ترین زمان یاد می گیرد. دانش آموزان با تمرین می توانند به جای اینکه کلمه به کلمه نوشته ای را بخوانند یا اینکه خط به خط یک نوشته رو بخوانند از بالا تا پایین صفحه رو سریع نگاه کنند و نظری اجمالی به تمام نوشته داشته باشند. در یک نگاه کلی، دانش آموزان باهوش مهارت های تند خوانی را تا دوره متوسطه، خودشان خوب یاد می گیرند (فریمن، ۱۳۸۲).

### اهمیت موضوع:

از هر ده کودکی که به دنیا می آید حداقل یکی آنقدر باهوش است که ما به عنوان یک معلم می توانیم او را در زمینه ای خاص شاخص و سرآمد کنیم. جهان به کودکان باهوش و با لیاقت نیاز دارد؛ کسانی که در طول زندگی می درخشند و می توانند قابلیت های بالقوه خود را با سعی و تلاش در تمام زمینه ها به کار گیرند و در هر گوشه ای از این دنیای پهناور اگر فقط فرصت رشد و پرورش صحیح را داشته باشند، خود را نشان دهند. یک دانش آموز باهوش می تواند در یک و یا چند زمینه برجسته دیگر درخشان شود. همچنین باید به خاطر داشت که نیمی از تمام کودکان دنیا تقریباً باهوشی بالاتر از متوسط به دنیا می آیند (فریمن، ۱۳۸۲).



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



از طرفی؛ می توان تعداد لغاتی را که دانش آموزان به کار می گیرند را مورد توجه قرار دهیم تا دریابیم که پیشرفتشان در صحبت کردن چگونه است. دیر صحبت کردن در کودکان بدین معنی نیست که رشد ذهنی کودک دیر اتفاق افتاده است. هر وقتی که شروع کرد می توان آن را حساب کرد. مثلاً «وینستون چرچیل» تا سن سه سالگی نمی توانست صحبت کند در حالی که اکثر کودکان در آن سن حدوداً از ۹۰۰ لغت استفاده می کنند. بنابراین طبیعی است لغتی که دانش آموزان یاد گرفته روزی فراموش کنند و معلم باید آن لغت را دوباره به او یاد دهد. یادگیری حرف زدن با احساسات کودک رابطه مستقیم دارد؛ بدین معنی که دانش آموزانی که در زندگی عصبانی و ناراحت هستند ممکن است در صحبت کردن چندان موفق نباشند. احساساتی که یک دانش آموز در مورد لغات دارد مستقیماً روی روشی که آنها را به کار می گیرد و افکاری که با آنها تداعی می شود، در ارتباط است (فریمن، ۱۳۸۲). هدایت درست استعداد کلامی باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در دروس مختلف می شود. معلم با توجه به استعداد و شخصیت دانش آموز بایستی در جهت تمرکز دانش آموز بر مطالب یاد گرفته برنامه ریزی داشته باشد. سیگنال های دریافت شده از حواس مختلف باعث واکنش های شیمیایی در درون مغز می شوند. با هر اطلاعاتی که وارد مغز می شود شبکه ای از اتصالات عصبی ایجاد می شود که قدرت مغز را بیش تر می کند. بر این اساس مغز نیز همچون سایر اعضای بدن نیاز به ورزش دارد. باید حواس مختلف را به کار گرفت و تمرکز را بیش تر کرد تا توانایی های مغز بیش تر شود (میراحمدی، ۱۳۹۱).

### اهمیت تفکر کلامی در کلاس درس:

بایستی استعدادهای کلامی را کشف کرد و حتی در پی شناسایی از آن حوزه استعدادی بود تا پیشرفت تحصیلی به وضوح خود را نشان دهد. اگر سبک یادگیری دانش آموزانمان گفتاری باشد بهتر است از روش های یادگیری که در آنها گفتن و نوشتن بیشتر به کار می رود، استفاده کرد. مثلاً درس یا مهارتی را که یاد گرفته اند، برای خود یا دیگری توضیح دهند. و در حتی امکان مطالب را به صورت شعر، و کلمات موزون یاد بگیرند. نوشتن به یادگیری خیلی کمک می کند. سر کلاس و موقع مطالعه حتماً یادداشت برداری کنند و در اجرای مطالب درسی به صورت نمایش به یادگیری شان کمک می کند. نمایش می تواند بسیار ساده و حتی یک نفره باشد و هدف از آن، گفتن مطالب با صداها و لحن های مختلف است. از طرفی روش های گروهی در کلاس درس این امکان را به دانش آموزان می دهد که مطلب را در جمع بازگو کنند تا یادگیری معنادار و عمیق شکل بگیرد. در نتیجه زمینه رشد تفکر کلامی در کلاس درس فراهم می شود.

### مدل تکاملی خواندن:

از دیدگاه «چال»، مهارت های خواندن در پنج مرحله شکل می گیرد. مرزهای سنتی تقریبی اند و در مورد تمام کودکان صدق نمی کنند. برای مثال، بعضی از کودکان پیش از ورود به پایه اول، خواندن را می آموزند. «چال» تصویر کلی از مراحل رشد مربوط به یادگیری خواندن را اینگونه مطرح می کند که: مرحله صفر، کودکان از تولد تا پایه ی اول، به چند پیش نیاز خواندن مسلط می شوند. بسیاری از آنان پی گیری حروف در جهت درست و ترتیب خواندن، شناسایی حروف الفبا و نوشتن نام خود را یاد می گیرند. بعضی دیگر خواندن واژه هایی را که معمولاً در علائم نوشته شده اند، می آموزند. در نتیجه تماشای برنامه های تلویزیونی که با هدف زبان آموزی تهیه شده اند و شرکت در کلاس های پیش دبستانی و آمادگی، باعث می شود بسیاری از کودکان امروز نسبت به گذشته دانش بیشتری در خواندن کسب کنند. مرحله ۱، در پایه های اول و دوم، بسیاری از کودکان شروع به خواندن می کنند. آنان هجی کردن واژه ها را یاد می گیرند. و یادگیری نام حروف و صداها را تمام می کنند. مرحله ۲، در پایه های دوم و سوم، کودکان در بازبایی واژه های جداگانه و مهارت های دیگر خواندن مسلط تر می شوند. ولی در این مرحله هنوز خواندن زیادی برای یادگیری به کار نمی رود. نیازهای مکانیکی یادگیری خواندن در این مرحله به قدری سنگین است که نیروی برای پردازش محتوا باقی نمی گذارد. مرحله ۳، از پایه چهارم تا هشتم، کودکان توانایی روز افزونی در کسب اطلاعات از متن به دست می آورند. به عبارت دیگر، آنان می خواهند تا یاد بگیرند. ولی هنوز در درک اطلاعاتی که درباره یک موضوع از دیدگاه های مختلف بیان شده است مشکل دارند. برای کودکانی که هنوز خواندن را یاد نگرفته اند، سیری قهقراپی آغاز می شود که به مشکلات جدی در بسیاری از مشکلات درسی می انجامد. مرحله ۴، در سال های دبیرستان، بسیاری از دانش آموزان به خواندن کاملاً مسلط می شوند. آنان به توانایی درک مطلبی که از دیدگاه های مختلف بیان شده است، می رسند. این توانایی به آنان اجازه می دهد که گاه در بحث های پیچیده تر ادبیات، تاریخ، اقتصاد و سیاست وارد شوند. بی دلیل نیست که خواندن رمان های بزرگ تر تا دوران دبیرستان به دانش آموزان توصیه نمی شود، زیرا درک محتوای رمان نیاز به توانایی پیشرفته ای در درک مطلب دارد (سانتراک، ۱۳۸۷). اگر معلم این ۴ مرحله



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



را در تدریس خویش مد نظر داشته باشد تمرکز بر مطالب درسی در بین دانش آموزان بیشتر می شود. از طرفی یادگیری معنادار شکل می گیرد و استعداد کلامی باعث پیشبرد اهداف آموزش در دانش آموزان می گردد.

### ادبیات و پیشینه:

تا حدی دیدگاه مردم در جوامع مختلف عامل ارزش گذاری کودکان است و به راه و روش زندگی که خودشان در پیش گرفته اند وابسته است؛ در قرن حاضر از یک کودک باهوش انتظار می رود که متن طولانی یک کتاب را خیلی واضح و بدون غلط از حفظ بیان کند و یا بتواند شکل‌های مختلف در ستونی بلند زیر هم بکشد و یا سخت کوش باشد و از قوانین و مقررات مدرسه پیروی کند و رتبه اول کلاس را دریافت نماید و شاگرد ممتاز گردد. «رابرت گریوز» شاعر بزرگ انگلیسی در زندگی نامه خود با نام (خدا حافظ گذشته خوب من) توضیح می دهد «که چگونه پدرش به خاطر اینکه در یادگیری ضرب ضعیف بود از مدرسه بیرون آورد و همچنین بیست و سه بار معلمش او را از کلاس بیرون انداخت و عذرش را خواسته بود. می توان دریافت که آنچه فرزند نامان بروز می دهند و به معرض نمایش می گذارند، ارزش و اعتبار آنهاست. که معلم بایستی توجه زیادی به این مهارت ها و توانایی ها داشته باشد». قطع به یقین اهمیت دادن به توانایی تفکر کلامی که پایه و اساس تمام استعدادها می باشد، باعث می گردد که دانش آموزان از قدرت تصور و تخیلی پویا، که نشانه ارزشمندی می باشد بهره مند شوند. به عنوان مثال؛ «انیشتین» نیز از حفظ کردن قواعد زبان آلمانی در مدرسه خسته و درمانده شده بود. همچنین هیچوقت در امتحانات گرامر زبان موفق نشد و نمره ی کمی می آورد. بعد وقتی عمویش به او یاد داد که چگونه قوه تخیل خود را بکار بگیرد تا بتواند از اعداد استفاده کند، توانست علم ریاضیات و فیزیک جهان را زیر و رو کند. شیفل بین و سیمونز معتقدند «که نقش معلم از دیرباز به عنوان نقش اصلی در اجرا و تامین آموزش کیفی شناخته شده است. زیرا چگونگی عملکرد آنها در فرایند یاددهی - یادگیری آثار مستقیم و مثبتی بر کیفیت تدریس و در پی آن بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد (وکیلان، ۱۳۸۳).

بنابراین، معلم واقعی می تواند دانش آموزان خویش در بازی زبانی، صحبت کردن، نوشتن واژگان، بیان احساسات و عواطف، درک صحیح مفاهیم درسی، سلیس صحبت کردن، ساختن جمله از کلمات به هم ریخته، توجه به سرعت و دقت در یادگیری داستان، شعر، فهمیدن درست از درک مطلب، سماجت نشان دادن برای توضیح مطلب یا روشن ساختن منظور، مورد شناسایی دقیق و علمی قرار دهد. که البته توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان برای ارزیابی تفکر کلامی مسئله ای مهم و تفکیک ناپذیر است. توجه به تفاوت ها و رعایت انعطاف پذیری در برنامه های درسی و تربیتی به عنوان یک وظیفه مسلم پیش روی نظام آموزش و پرورش قرار گرفته است و دست اندرکاران تعلیم و تربیت را موظف می نماید تا به افراد مختلف متناسب با استعدادها و توانایی های بالقوه و بالفعل شان در حد امکانات و محدودیت های موجود ارائه خدمات نماید. تا بتواند توانایی های خود را به فعلیت در آورده و استعدادهای شکوفا شده را در جهت مناسب هدایت کنند (عموپور، ۱۳۹۶).

در علم روانشناسی یادگیری، نظریه دیوید آزوبل که نظریه یادگیری معنی دار کلامی از ساخت شناختی و تغییراتی که بر اثر یادگیری در آن صورت می گیرد سخن می گوید کلمه (معنی) می باشد. در نظریه آزوبل جای مهمی دارد. وقتی یک مفهوم قابل ارتباط دادن با مفاهیمی باشد که از پیش در ساخت شناختی فرد وجود دارند، آن مفهوم معنی دار است. مطالب معنی دار به مطالب یاد گرفته شده قبلی مربوط می شوند. در حالی که مطالب غیر معنی دار به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر در ذهن انباشته می شوند. هنگام یادگیری مطالب تازه به صورت معنی دار، آن مطالب جذب هرم ساخت شناختی می شوند. آزوبل این جذب شدن مطالب در ساخت شناختی را شمول نام نهاده است. به این ترتیب، در نظریه آزوبل اصطلاح مشمول کننده به جای مفهوم یا اندیشه مورد استفاده قرار می گیرد (مجدفر، ۱۳۹۴). معلم در حین تدریس برای ایجاد یادگیری معنادار و رسیدن به پیشرفت تحصیلی در راستای هوش های چندگانه به نظریه های یادگیری شناختی که بر این باور تأکید دارد «که یادگیری یک فرایند درونی است که ممکن است به صورت تغییر فوری در رفتار، آشکار نشود برای یادگیرنده در ایجاد یادگیری نقش مهم تری قائل هستند» (مجدفر، ۱۳۹۴).

استیواستال، متخصص خواندن (۲۰۰۲) معتقد است که سه هدف عمده آموزشی در خواندن به کودکان کمک می کند که شامل: تشخیص واژه ها، درک متن، انگیزه برای خواندن و مهم شمردن مطالعه می باشد. این هدف ها با هم ارتباط متقابل دارند. اگر کودکان نتوانند واژه ها را تشخیص دهند، به درک درستی از متن نمی رسند و اگر نتوانند متن را درک کنند، احتمال کمی دارد که به خواندن علاقه مند شوند (سانتراک، ۱۳۸۷).



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## رویکرد زبان کامل:

پیش فرض آن است که آموزش خواندن کودکان باید موازی با یادگیری طبیعی زبان پیش برود. مواد خواندنی از همان ابتدا باید کامل و با معنا باشند. یعنی در آموزش اولیه خواندن باید به کودکان مطالب را به شکلی کامل، مثل داستان یا شعر ارائه کرد. طرفداران زبان کامل می گویند که به این روش کودکان عملکرد ارتباطی زبان را درک می کنند. تمام واژه ها اساساً واژه های دیداری هستند که دانش آموزان آنها را بدون آن که تشخیص دهند هر حرفی به چه صدایی مربوط می شود، می شناسند. همچنین خواندن اغلب با مهارت های دیگر و رشته هایی مانند علوم تجربی و علوم اجتماعی ادغام می شود.

بنابراین برای پیشرفت داشتن در قدرت بیان می توان از دانش آموزان خواست که درباره روزنامه و کتاب هایی که می خوانند درباره آن بنویسند و بحث کنند. بنابراین پژوهشگران دریافته اند روش های مهارت های پایه و آوا شناسی باید برای آموزش خواندن به کودکان به کار روند، ولی قرار دادن کودکان در میان مجموعه بزرگی از کتاب ها و نوشته ها نیز به هر حال برای آنان سودمند است. نتایج میزگرد ملی خواندن (۲۰۰۰) که در آن پژوهش های مربوط به خواندن مورد بررسی قرار گرفت و این مورد مهم آشکار شد که آگاهی واجی، به ویژه وقتی با آموزش حروف همراه شود و جزیی از یک برنامه کلی سوادآموزی باشد، موثر واقع می شود. آموزش و آمیزش موثرترین روش برای ایجاد آگاهی واجی می باشد. در نتیجه آگاهی واجی وقتی با خواندن و نوشتن ادغام شود، ساده باشد و به جای کل کلاس در گروه های کوچک آموزش داده شود، بیشتر پیشرفت می کند(سانتراک، ۱۳۸۷).

در پژوهشی جدید، مایکل پرسلی و همکارانش (۲۰۰۱) سوادآموزی را در پنج کلاس آمریکایی بررسی کرده اند. موفقیت این کلاس ها بر اساس عملکرد دانش آموزان در سوادآموزی مورد تحلیل قرار گرفت. در موفق ترین کلاس ها، معلم ها با تشویق و کار مشارکتی، آموزش متعادل مهارت ها، ادبیات و نوشتن؛ مطابقت دادن سطح تکالیف با سطح مهارت دانش آموزان، تشویق دانش آموزان به خودگردانی، و اتصال محکم حیطه های موضوعی مختلف، کلاس خود را به نحوی عالی اداره می کردند. به طور کلی، مشاهدات طولانی مدت به تأیید رویکرد خاصی در خواندن مانند زبان کامل یا مهارت های پایه و آواشناسی نینجامید. بلکه نتیجه آن بود که در آموزش خوب اجزایی چندگانه دخیل هستند. و در آموزش خواندن موفق بیش از یک رویکرد خاص به کار می رفت و اداره مدبرانه کلاس، تشویق دانش آموزان به خودگردانی و عوامل دیگر اثر بخش بود. خواندن مانند بقیه مهارت های مهمی است که باید در کودکان رشد کند. برای تسلط بر خواندن، زمان و کوشش لازم است. در یکی از ارزیابی های ملی اخیر نشان داده شده است که وقتی کودکان یازده صفحه متن یا بیشتر را در کلاس یا به عنوان تکلیف شب بخوانند، در پایه ی چهارم نمرات بیشتری می گیرند. بنابراین تمام تلاشمان بر این است که مهارت های خواندن در دانش آموزان رشد پیدا کند تا تأثیر آن را بر پیشرفت تحصیلی مشاهده کنیم(سانتراک، ۱۳۸۷).

اغلب اندیشمندان و صاحب نظران تعلیم و تربیت معتقدند که معلم در فرآیند آموزش نقش بسیار حساس و اساسی ایفا می کند. اهمیت معلم در فرآیند یاددهی - یادگیری به این دلیل است که متخصصان امر آموزش در دنیای پیشرفته و پیچیده امروز، تا حد زیادی بهبود کیفیت نظام آموزشی را در اثر کیفیت عملکرد مناسب معلمان ذکر می کنند(وکیلیان، ۱۳۸۳). بنابراین معلمان نقش اساسی در پیدایش و شناسایی استعداد دانش آموزان دارد تا فعالیت های آموزشی در راستای شناسایی صحیح منجر به پیشرفت تحصیلی گردد.

## اهداف و فرضیه های پژوهش:

### اهداف ارزیابی توانایی تفکر کلامی:

- برای ایجاد توانایی تفکر کلامی دانش آموزان در صحبت کردن و نوشتن از واژگان مناسب به طور صحیح استفاده کنند.
- دانش آموزان بتوانند به طور سلیس و روان صحبت کنند و گفتارشان قابل فهم، روشن و جذاب باشد.
- توجه معلم به توانایی تفکر کلامی باعث می شود، مفاهیم درسی را با جزئیات دقیق بیان کنند.
- توجه به استعداد کلامی که پایه ی همه ی استعدادهاست باعث ایجاد یادگیری معنادار در حین تدریس می شود.



### فرضیه های پژوهش:

- معلم با علم بر هشت ساختار ذهنی می تواند مهارت هایی در خواندن برای درک بهتر مطلب ایجاد کند.
- دانش آموزان با مطالعه زیاد می توانند مهارت های استعداد کلامی را کسب کنند.
- معلمان می توانند با واداشتن دانش آموزان به توجه به خواندن و تصحیح آن، به ویژه وقتی دچار مشکلی می شوند، آنان را کمک کنند که به راهبردهای فراشناختی خوبی برسند.
- معلم بدون توجه به هوش های چندگانه می تواند در تدریس و ایجاد یادگیری معنادار موفق باشد.

### روش تحقیق:

معلمان مهمترین عوامل موثر در توسعه کیفی آموزش و پرورش و رشد همه جانبه کودکان به شمار می روند و قسمت اعظم راهنماییهای مدارس را به عهده دارند. متخصصین دریافته اند که تنها افرادی که در مدرسه می توانند همواره در نقش یک راهنمای موثر به خوبی عمل کنند، معلمان کلاس هستند. معلمان با دانش آموزان بیشترین ارتباط و نزدیک ترین تماس را دارند. چنین وضعی در تدریس، زمینه مناسبی را برای شناسایی و هدایت استعدادهای برتر می باشد (وکیلیان، ۱۳۸۳).

از آنجائیکه با شناسایی استعدادهای و توانایی های دانش آموزان می توانیم به آنها بیاموزیم که در کدام استعداد یا ساختار ذهنی موفق تر می باشند. می توانند با تمرین و تلاش به هدف مطلوب که همان درک درست از توانایی های خویش است پی ببرند. براین اساس، برای آشنایی از توانایی تفکر کلامی، به دانش آموزان تکالیف استعدادی در راستای مهارت های تفکر کلامی داده می شود نوشتن نامه برای هر کسی که دوستش دارند یا گفتن جملات فی البداهه معنی دار، آگاهی و درک درست معلم از مهارت نوشتن، مهارت گوش دادن، مهارت خوب دیدن (مشاهده)، مهارت خواندن و مهارت سخن گفتن که باعث می شود تا دانش آموزانمان هم به همین توانایی دست یابند. بنابراین معلم بایستی با تمام اهداف کلی و جزئی کتاب فارسی و کتب دیگر در پایه چهارم و پایه های دیگر آشنا باشد. گسترش بکارگیری نشانه های نگارشی، توانایی انتخاب عنوان بند، آشنایی با بند توصیفی و اهدافی مانند افزایش تمرکز بر لحن کلام در متون شنیداری، درک اطلاعات صریح متن شنیداری و بحث و گفت و گو اظهار نظر در مورد مطالب متن شنیداری و تشخیص و تمیز نمادهای خطی دیداری زبان، افزایش قدرت استنتاج بصری، توجه به رفتارهای غیر کلامی در انتقال پیام، توانایی خواندن متن مناسب با محتوای آن، درک اطلاعات صریح از متن، تفسیر اطلاعات متن، استفاده از لحن و آهنگ مناسب به کارگیری گونه های مختلف زبان، سخن گفتن در مقابل جمع و درک پیام دیداری و سخن گفتن درباره آن اعتلای کیفیت آموزش و ثمر بخشی معلمان در زمینه بهبود توانایی تفکر کلامی دانش آموزان در گرو حرفه ای شدن معلمان است. معلم حرفه ای کسی است که به شناخت علمی و مهارت های عملی در راستای رشد و شکوفایی استعدادها از جمله استعداد کلامی دانش آموزان تسلط کامل داشته باشد. براین باور باشد که توانایی تفکر کلامی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اثر مستقیم می گذارد. بنابراین در روش تحقیق فوق تکالیف استعدادی کلامی که باعث رشد همه جانبه استعداد کلامی می شود توجه داشته و گویه های مربوط به استعداد کلامی در برنامه ملی شهاب را با توجه به کتاب فارسی و دیگر کتب مورد بررسی قرار می دهیم. این گویه ها در برنامه ملی شهاب ۸۰ مورد است که در استعداد کلامی ۱۰ گویه شامل می شود که به صورت شماره گذاری ۱ تا ۴ که شماره ۱ کاملاً مخالف ام. شماره ۲ مخالف ام. شماره ۳ موافق ام. شماره ۴ کاملاً موافق ام. مشخص شده است.





### یافته ها:

پورلیگالاگر، معلم پایه سوم مدرسه ای در ایالت نیوجرسی، دانش آموزان را بر می انگیزد که خواندن را با اشتیاق بسیار دنبال کنند. او برنامه ای را به نام (امکانات را بسنجید) در سطح مدرسه طراحی کرده است که طبق آن هر بهار، نویسندگان و شاعران معروف کشور را به مدرسه دعوت می کند. او هر دو هفته یک بار به والدین دانش آموزان تلفن می کند و آنان را از پیشرفت و علایق جدید فرزندانشان آگاه می سازد. او از دانش آموزان پایه های بالاتر دعوت می کند که به کلاسش بیایند و با گروه های کوچک دانش آموزان کار کنند تا به این ترتیب بتواند وقت بیشتری را صرف کار با تک تک دانش آموزان کند. همچنین فعالیت شعر سرودن مشارکتی را بین دانش آموزان سوم و یازدهم اجرا می کند که در آن دانش آموزان بزرگ تر و کوچک تر با همکاری هم شعر می سرایند. هر یک از دانش آموزانش دفترچه یادداشتی دارند در آن فکرها، الهامات، واژه های خاصی را برایش تفکر برانگیز است، یادداشت می کند. به دانش آموزان فرصت هایی داده می شود تا در صندلی نویسندگان بنشینند و از آنجا نوشته هایشان را با صدای بلند برای کلاس بخوانند. بنابراین باید با دانش آموزانمان طوری کار کنیم که علاقه آنان را به خواندن و نوشتن برانگیزیم. بدین منظور چهار مرحله رشد شناختی پیازه به صورت نمودار نشان داده می شود.

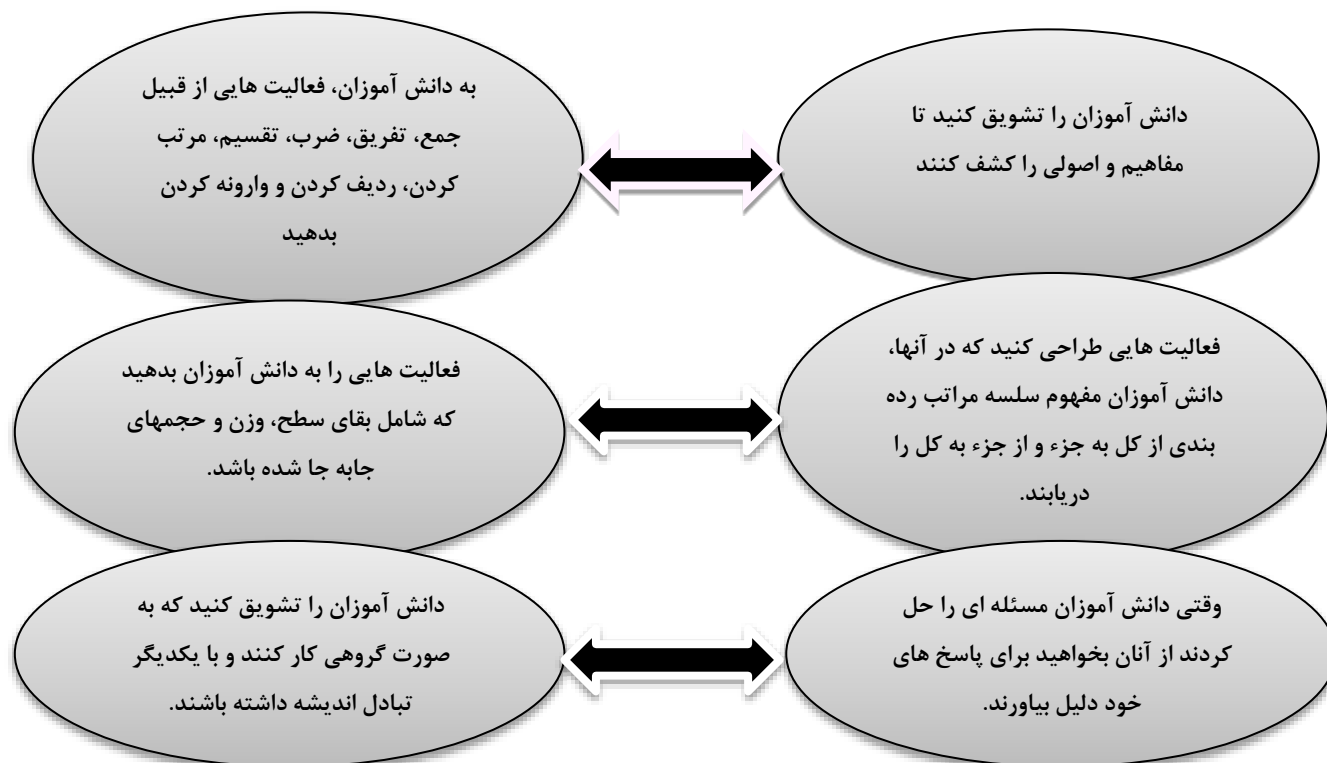


نمودار شماره ۱. چهار مرحله رشد شناختی پیازه (سانتراک، ۱۳۸۷).



این نمودار نشان میدهد که معلم حرفه ای و آگاه به علم روانشناسی راحتتر و دقیقتر می تواند دانش آموزان را در امر پیشرفت تحصیلی و ایجاد مهارت توانایی تفکر کلامی رهنمود سازد.

دانش آموزان مقطع ابتدایی (چهارم) در مرحله عملیات عینی هستند که بهتر است راهکارهای تدریس در مرحله عملیاتی اینگونه باشد که به صورت نمودار نشان داده می شود.



راهکارهای تدریس برای دانش آموزان در مرحله عملیاتی در راستای ۸ ساختار ذهنی گاردنر که کاملاً به هم مرتبط می باشد (سانتراک، ۱۳۸۷).

بنابراین سومین مرحله رشد شناختی پیاژه ای در فاصله سنین ۷ تا ۱۱ سالگی اتفاق می افتد. در این مرحله از عملیات استفاده می شود. مرحله عملیاتی، نوعی فعالیت ذهنی برگشت پذیر و مربوط به چیزهای واقعی است. این مرحله به دانش آموز امکان می دهد که به جای تمرکز یافتن بر یک ماهیت شی چندین خصوصیت آن را با هم مد نظر قرار بدهد. در واقع توجه دقیق و علمی به مرحله عملیاتی پیاژه ما را به سمت هوش های چندگانه می برد که برنامه ملی شهاب بر این اصل یعنی همان ۸ ساختار ذهنی گاردنر استوار است.



دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد زرقان



## بحث و نتیجه گیری:

سهم زمینه اجتماعی در کمک به کودکان برای یادگیری خواندن به والدین، معلمان، همسالان و... مربوط می شود. تعداد کتا بهایی که والدین در اختیار فرزندانشان می گذارند، وقتی معلمان فرصت مطالعه به دانش آموزان در کلاس های درس بدهند باعث می شود دانش آموزان، قدرت بیان پیدا کنند باید بتوانیم برنامه درسی اجباری، خواندن، یا کتابخوانی فارغ از کتابهای درسی را در کلاسهای درسمان برگزار کنیم. بنابراین در توانایی قدرت بخشیدن تفکر کلامی آموزش خواندن و نوشتن اغلب درهم ادغام می شود. فناوری های نوین که در اختیار معلم گذاشته می شوند، آنان را نه تنها در بهره گیری از رویکرد زبان کامل، که در بهبود بخشیدن به مهارت های رمز گشایی دانش آموزان هم یاری می دهد. معلومات و اطلاعات وسیع معلم و تسلط او به مواد درسی و هوش های چند گانه در حین تدریس می تواند به او کمک کند تا بتواند محیط عاطفی در کلاس خلق کند. شخصیت معلم و حرفه ای بودن معلم کمک می کند تا مطالب درسی را بر اساس شاخص های استعدادی بیان کند. و در مقابل دانش آموزان بهتر و دقیق تر مطالب را می فهمند و استعداد و توانایی های خود را بهتر نشان می دهند.

بنابراین، خوب نوشتن مانند خوب خواندن، به سال ها تمرین نیاز دارد. باید به دانش آموزان در دبستان فرصت فراوانی برای نوشتن داده شود. به مرور بر اثر آموزشی خوب مهارت های شناختی آنان بهتر می شود و مهارت های نوشتاری آنان نیز بهبود می یابد. و می توان به مهارت های شناختی چون نظم دادن به افکار و استدلال منطقی و اصولی در این راستا کمک شایانی کرد. و قبل از هر چیزی دانش آموزان باید واقعاً بخواهند یاد بگیرند تا با یادگیری خود را بهتر بشناسند. و مطمئن باشند که مطلبی را که می خوانند فهمیده باشند تا مطالب را بتوانند به یاد بیاورند. بتوانند بیان کنند پس لازم است یادگیری های خویش را مورد ارزیابی قرار دهند. یکی از نشانه های مهم یادگیری این است که بتوانند مطلبی را که خوانده اند بیان کنند. برای موفقیت و پیشرفت در یادگیری باید ایجاد انگیزه در دانش آموزان کنیم تا واقعاً بخواهند که یاد بگیرند. تا مطالب درسی را به خوبی بفهمند تا خودشان از یادگیری لذت ببرند.

## نتیجه:

هدفهای کلی آموزشی در ایران که با سیاستهای کلی، فلسفه آموزش و پرورش در ارتباط می باشد از طرف وزارت آموزش و پرورش تهیه و تنظیم گردیده است و کتب درسی مقاطع مختلف درسی در جهت نیل به هدفهای مذکور و شناسایی و هدایت استعدادهای برتر می باشد. در نتیجه تسلط کامل معلم به هشت ساختار ذهنی سبب می گردد که بتوانیم دانش آموزان توانمند را بهتر مورد بررسی قرار دهیم.

همچنان بر این باوریم که پایه و مادر تمام استعدادها، استعداد کلامی می باشد. بنابراین توانایی تفکر کلامی ارتباط مستقیم بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد. برای اینکه دانش آموزانمان از لحاظ درک استعداد کلامی بتواند خود را قوی سازند باید در این امر آنها را یاری رسانیم. پیش از خواندن نگاهی به متن انداختن و در ضمن خواندن به دنبال اطلاعات مهم بودن کمک به رشد کلام می کند. بهتر است در کلاس شرایطی را فراهم آوریم که دانش آموزان از خود درباره اهمیت ایده ها بپرسند یا آنها را به چیزی که قبلاً خوانده اند، ربط می دهد. و تلاش کنند معنی واژه هایی را که نمی دانند پیدا کنند. از واژه های هم خانواده برای شناخت معنی کمک بگیرند. با فرهنگ آشنا باشند و به درک مطلب خود توجه کنند. تا می توانند سلیس و روان صحبت کنند تا حدی که گفتارشان قابل فهم، روشن و جذاب باشد. با تکالیف استعدادی بسیار ساده و راهکارهای ساده تر برای توانایی تفکر کلامی می توانیم دانش آموزان توانمند در راستای استعداد کلامی تربیت کنیم.



#### منابع:

- دنیلسون، شارلوت. (۱۳۸۹). نقش رهبری معلم در ساختار آموزش. (ترجمه معتمدی، وحید). چاپ دوم. تهران: انتشارات بین المللی گاج.
- محمدی روزبهانی، کیانوش. (۱۳۸۸). چگونه بهتر یاد بگیریم. تهران: مبتکران. پیشروان
- سانتراک، جان دلبیو. ۱۳۸۷. روان شناسی تربیتی. (ترجمه دانش فر، حسین. سعیدی، شاهده. عراقچی، مهشید). چاپ اول. تهران: انتشارات رسا.
- عموپور، نادیا. (۱۳۹۶). مطالعه تفاوت های فردی دانش آموزان در برنامه ملی شهاب. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی. والیوم ۲ (۱۸). ۴۹-۶۹
- فریمن، جون. (۱۳۸۲). والدین فهمیده، کودکان تیزهوش. (ترجمه صالحی، لیلا). چاپ دوم. تهران: نسل نو اندیش
- گرافت، توماس فُن. زمکه، ادوین. (۱۳۸۹). کشف و پرورش استعداد، (ترجمه محمد طاهر، طاهر). چاپ دوم. تهران: انتشارات پیدایش
- مجد فر، مرتضی. اصلانی، ابراهیم، سلیقه دار، لیلا. سال ۱۳۹۴. دست نامه شهاب. چاپ اول. تهران: انتشارات مدرسه.
- مشکوه الدینی، مهدی. (۱۳۷۴). ساخت آوایی زبان. چاپ سوم. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد
- میراحمدی، فرزاد. فتاحی، زهرا. (۱۳۹۱). ببین مغزت چگونه شاهکار می سازد. چاپ اول. تهران: فریور
- نوروزی، داریوش. آقازاده، احمد. عزت خواه، کریم. (۱۳۸۱). روشهای فنون تدریس. چاپ هفتم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- وکیلان، منوچهر. (۱۳۸۳). نظارت و راهنمایی تعلیماتی. چاپ سوم. تهران: دانشگاه پیام نور